

علم اصول الفقه

٣٠-١١-١٩ تعريف علم اصول فقه ٥٣

دراسات الاستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

مبادی تصویری

فصل اول: تعریف علم اصول

فصل دوم: موضوع علم اصول

فصل سوم: نسبت بین علم اصول و سایر علوم

فصل چهارم: اعتباریات

فصل پنجم: حکم

فصل ششم: امثال

فصل هفتم: موضوع و متعلق حکم

فصل هشتم: نسخ

فصل نهم: حجت

فصل دهم: استنباط

فصل چهارم: اعتباریات

- در موضوع علم اصول به مناسبت گفتیم که علم اصول در زمره‌ی علوم اعتباری است. بحث اعتباریات در آثار فقهی و اصولی مرحوم اصفهانی مطرح و سپس در آثار علامه طباطبایی (شاگرد وی) به صورت یک نظریه‌ی کامل در آمد. آنچه در ذیل می‌خوانیم، بیانگر این بحث و نقطه نظرات علامه طباطبایی در این زمینه است.

فصل چهارم: اعتباریات

- از آنچه در عالم وجود دارد، مستقل از فهم و ادراک ذهن، به حقایق تعبیر می‌کنیم. حقایق اموری هستند که ذهن ما در شکل‌گیری آنها، نقشی ندارد؛ نهایتاً در هنگام ادراک آنها، منفعل و تحت تأثیر آنها است. این گونه امور که در فلسفه به امور ماهوی یاد می‌شوند، در خارج به وجود خارجی موجودند و دارای آثار خاص به خودشان هستند و در ذهن به وجود ذهنی موجودند و فاقد آثار خارجی.

فصل چهارم: اعتباریات

- بحث وجود ذهنی در مباحث فلسفی، ناظر به بیان این مطلب است که ماهیت همان گونه که در خارج به وجود خارجی موجود است، در ذهن به وجود ذهنی موجود است. ذهن هیچ گونه تغییر و تحول و تصرفی در این ماهیات انجام نمی‌دهد.

فصل چهارم: اعتباریات

- در کنار حقایق، یعنی مفاهیم ماهوی، با مجموعه‌ای از مفاهیم مواجه هستیم که ذهن ما در پیدایش آنها نوعی دخالت و تصرف و خلاقیت دارد. این گونه مفاهیم را اعتباری می‌نامیم.

فصل چهارم: اعتباریات

- با توجه به این نکته، معقولات ثانی فلسفی و منطقی را به عنوان امور اعتباری تلقی می‌کنیم؛ زیرا در شکل‌گیری این گونه مفاهیم، نوعی فعالیت و عمل (کار سخت) و مشقت ذهنی، تحقق می‌یابد.

فصل چهارم: اعتباریات

- بر اساس نظریه‌ی وجود ذهنی، ماهیتی که با وجود خارجی محقق است، همان طور و بعینه با یک وجود ذهنی در ذهن موجود می‌شود. تا اینجا ذهن هیچ تصرفی در این مفهوم به دست آمده، ندارد و فقط به منزله‌ی آینه‌ای است که شیء خارجی در آن نقش می‌بندد.

فصل چهارم: اعتباریات

- بعد از آن، ذهن این توانایی را دارد که شیء موجود در خویش را از منظرها و زوایای گوناگون نگاه کند.
- اگر آن مفهوم را از منظر تحقق حقیقی-اش مورد توجه قرار دهد و صفاتی برای او بیابد که مربوط به تحقق عینی آن است، از این دست آوردها به معقولات ثانی فلسفی یاد می‌کنیم. واضح‌ترین این مفاهیم که در رأس همه‌ی آنها است، مفهوم وجود است.

فصل چهارم: اعتباریات

- در مقابل اگر ذهن مفهوم موجود در خویش را از حیث همان هویت و خصوصیت ذهنی‌اش، مورد توجه قرار دهد، اوصافی که برای آن مفهوم می‌یابد، معقولات ثانی منطقی را تشکیل می‌دهد.

فصل چهارم: اعتباریات

- هر چند ذهن، معقولات ثانی منطقی و فلسفی را با نوعی فعالیت ذهنی به دست می‌آورد، اما آنها از نفس الامر و واقع حاصل می‌شوند و ریشه در واقع دارند.
- به همین دلیل به آنها اعتباری نفس‌الامری می‌گوییم. به عبارت دیگر این مفاهیم هر چند در خارج «ما بازاء» ندارند، اما «منشأً انتزاعاً» دارند.

فصل چهارم: اعتباریات

- البته در جای خود بیان شده که جایگاه معقولات ثانی منطقی در ذهن است. واقعی که منشأ انتزاع این نوع معقولات است، مرتبه‌ای از ذهن می‌باشد که مورد مطالعه‌ی مرتبه‌ی دیگری از ذهن قرار می‌گیرد.
- یعنی ذهن یک حالت تو در تو دارد که مرتبه‌ای از آن، نفس الامر مرتبه‌ی دیگر است. این رتبه، نسبت به آن مرتبه، ذهنی و آن مرتبه نسبت به این مرتبه، واقعی است ولی هر دوی آنها در فضای ذهن صورت می‌گیرد.

فصل چهارم: اعتباریات

- حال آن که واقع و نفس الامر معقولات ثانی فلسفی در خارج از فضای ذهن است. به تعبیر معروف: عروض معقولات ثانی فلسفی در ذهن و اتصاف آنها در خارج است و در معقولات ثانی منطقی، عروض و اتصاف، هر دو، در ذهن می‌باشد و این دو (معقولات ثانی فلسفی و منطقی) در مقابل مفاهیم ماهوی هستند که عروض و اتصافشان در خارج است.

فصل چهارم: اعتباریات

- اعتبارات نفس الامری از دیر باز مورد توجه فیلسوفان بوده است. ابن سینا در اشارات، خواجه در شرح اشارت، شیخ اشراق و... به این دو بحث پرداخته‌اند و بحث‌های خیلی دقیقی در این مورد دارند؛ هر چند کلماتشان به دلایلی با نوعی ابهام مواجه است.

فصل چهارم: اعتباریات

- در کنار مفاهیم اعتباری نفس الامری، مفاهیم اعتباری دیگری وجود دارد که از آنها به اعتباریات محض یاد می‌کنیم. اعتباریات محض با اعتباریات نفس الامری در این نکته که هر دو با فعالیت ذهن تولید می‌شوند، مشترکند. ذهن در هر دوی آنها، نوعی خلاقیت دارد.

فصل چهارم: اعتباریات

- اما در نزدیک بودن به واقع و حقیقت با هم تفاوت دارند. اعتبارات نفس الامری به واقع و حقیقت نزدیک-ترند و خلاقیت ذهنی در آنها به مراتب کمتر از خلاقیت ذهنی در اعتباریات محض است. ذهن در اعتباریات محض نقش خلاق بیشتری دارد.

فصل چهارم: اعتباریات

- همان گونه که علامه در رساله‌ی اعتباریات و در مقاله‌ی ششم از اصول فلسفه و روش رئالیسم تصریح می‌کند، اعتباریات محض، امور وهمی و خیالی هستند؛ اما اموری وهمی و خیالی-ای که ذهن با تصرف در واقعیات آنها را ایجاد می‌کند.

فصل چهارم: اعتباریات

- ذهن گاه در یک شیء توسعه می دهد و اضافه بر مصادیق واقعی که دارد، برای آن، مصادیق اعتباری ایجاد می نماید و گاه در حکم یک شیء توسعه می دهد و آثاری را که حقیقتاً مال آن است، به شیء دیگری که حقیقتاً صاحب این آثار نیست، نسبت می دهد.

فصل چهارم: اعتباریات

- البته ذهن همیشه برای ساختن یک مفهوم اعتباری، از طریق توسعه دادن عمل نمی‌کند. بعضی از اوقات نوعی ترکیب مفاهیم حقیقی را به کار می‌گیرد که خود آن ترکیب، حقیقتی ندارد؛ ولی برای آن، حقیقتی فرض می‌کند. مثلاً ذهن از ترکیب افراد، مفهوم اجتماع را خلق می‌کند؛ در حالی که در خارج فقط افراد وجود دارند و اجتماع عیناً در خارج موجود نیست. اجتماع از اعتباریات محض قبل از اجتماع است که در اقسام اعتباریات محض به آن می‌پردازیم.

فصل چهارم: اعتباریات

- بنابراین اعتباریات محض هم به نحوی از انحا با واقعیات ارتباط دارند و کاملاً گسیخته‌ی از واقع نیستند. انسان در خلق ذهنی خویش از حقایقی که درک می‌کند به نوعی بهره می‌برد و هر چقدر هم در خلق، فعال‌تر باشد، باز با واقع در ارتباط است.

فصل چهارم: اعتباریات

- در نظر علامه، ایجاد مفاهیم اعتباری نوعی خدعه‌ی فطرت ما است. فطرت باعث می‌شود این نوع مفاهیم را اعتبار کنیم. به همین دلیل، این مفاهیم جزو فطریات ما هستند و در فطرت ما ریشه دارند.

فصل چهارم: اعتباریات

- مثلاً وقتی انسان، مفهوم وجوب اعتباری (باید) را در ذهن خود می‌سازد و درک می‌کند، این درک، خلاقیت او است و همان گونه که در اقسام اعتباریات محض بیان می‌نماییم، در نظر علامه این اولین نیرنگ و خدعه‌ی فطرت او است. فطرت باعث می‌شود که او چیزی را که واقعاً وجود ندارد و نوعی توهم و خیال است، درک کند. این مفاهیم خیالی و توهمی در نگاه ابتدایی به راحتی قابل تمییز نیستند و آدم‌های عادی می‌ز «باید اعتباری» را با مفاهیم حقیقی درک نمی‌کنند. آنها در زندگی عادی و عرفی خویش به خلاقیت ذهن در مورد این «باید» توجهی ندارند.

فصل چهارم: اعتباریات

- علامه آرایه‌های ادبی چون تمثیل‌ها و استعاره‌ها را از جمله موارد اعتباریات محض می‌شمارد. اگر شاعر می‌گوید:
- ماهی چو تو آسمان ندیده است سروی چو تو بوستان ندیده است
- خود می‌داند که معشوق، مصداق ماه و سرو نیست اما آن را از روی مجاز و استعاره، ماه و سرو به حساب می‌آورد و برای ماه و سرو یک مصداق اعتباری قرار می‌دهد. اینها امور وهمی و خیالی هستند، اما همین امور وهمی و خیالی دارای اثر عینی و حقیقی‌اند.

فصل چهارم: اعتباریات

- شعری که عنصر خیال را دارد، تأثیری در جان انسان‌ها ایجاد می‌کند که اگر این عنصر نبود، آن تأثیر عینی و تکوینی و خارجی را نداشت.

فصل چهارم: اعتباریات

- لازم به ذکر است که توهم و خیال در اینجا به اصطلاح غیر فلسفی و به معنای عرفی آن به کار می‌رود. وهم و خیال در وادی اصطلاحات فلسفی با هم متفاوتند.